

National Library of Iran: establishment and early development Based on archival documents

Gholamreza Amirkhani¹ | Jamshid Norozi² | Parisa Asgari³

Abstract:

Purpose: To investigate the process of establishment and early development of the National Library of Iran.

Methodology and Research Design: Data was collected from archival documents and library resources.

Findings and Conclusions: Expansion of relations with the West in the later Qajarid period inspired Iranians to adopt European nations' cultural initiatives. Introduction of printing technology, establishment of European style schools and higher education institutions, the increase of the educated population facilitated the foundation of a national library. An act passed by the Parliament in 1937 established the National Library as a department under the Ministry of Education. The core collections of the newly established National Library were the collection of the Darolfonoon polytechnic and the collection of the Maaref public library. Two prominent figures instrumental in the formation of the Library were the Education Minister, Ali Asghar Hekmat (1896-1980) and Mehdi Bayani (1906-1967) who headed the Library for the next 25 years. Also a modest building was designed by the French architect André Godard (1881-1965).

Keywords:

Maaref Library, Darolfonoon Polytechnic, National Library of Iran, Mehdi Bayani, Ali Asghar Hekmat, André Godard.

1. Assistant Professor of History, National Library and Archives of Iran, Tehran, I. R. Iran
gamirkhani@yahoo.com
 2. Associate Professor of History, Payame noor University, Tehran, I. R. Iran
njamshid1346@gmail.com
 3. MA Student of History, Payame noor University, Tehran, I. R. Iran,
(Corresponding Author)
parisa7268@yahoo.com
- Copyright © 2019, NLAJ (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

بررسی روند تأسیس کتابخانه ملی و توسعه آن تا ۱۳۲۰ ش با تکیه بر اسناد آرشیوی

غلامرضا امیرخانی^۱ | جمشید نوروزی^۲ | پریسا عسگری^۳

چکیده:

هدف: بررسی روند تأسیس و توسعه کتابخانه ملی ایران از اواخر عهد قاجار تا پایان پهلوی اول.

روش/رویکرد پژوهش: در این پژوهش برپایه اسناد و منابع تاریخی و به شیوه توصیفی-تحلیلی به موارد زیر پرداخته می‌شود: ۱. عوامل سیاسی-اجتماعی مؤثر در پیدایش کتابخانه ملی؛ ۲. تأثیر غرب در پیدایش کتابخانه ملی در ایران؛ ۳. روند قانونمند شدن و دولتی شدن کتابخانه ملی.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: افزایش روابط ایران و غرب در دوره قاجار و الگوبرداری از پیشرفت‌های فرهنگی و تمدنی نظیر پیدایش صنعت چاپ، توسعه مدارس، ایجاد مؤسسات آموزش عالی، افزایش شمار تحصیل‌کردگان و تکاپوی چهره‌های روشن‌فکر و فرهنگ‌دوست، زمینه پیدایش کتابخانه ملی را در ایران فراهم کرد. هسته اولیه این کتابخانه از ادغام دو کتابخانه مهم آن دوره یعنی کتابخانه دارالفنون و معارف تشکیل شد. در سال ۱۳۱۶ ش برای نخستین بار سازمان و تشکیلات این کتابخانه بانام دایره کتابخانه ملی دولتی شکل گرفت و ساختمان آن با تلاش مهدی بیانی و علی اصغر حکمت و نقشه طراحی شده آندره گدار، در میدان مشق تهران احداث شد.

کلیدواژه‌ها:

کتابخانه معارف؛ مدرسه دارالفنون؛ کتابخانه ملی؛ مهدی بیانی.

۱. استادیار تاریخ ایران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران
gamirkhani@yahoo.com
۲. دانشیار تاریخ ایران دانشگاه پیام نور، ایران
njamshid1346@gmail.com
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
parisa7268@yahoo.com



گنجینه اسناد

«۱۱۵»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۱۹.۲۳۸۰

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۹، دفتر ۳، پاییز ۱۳۹۸ | صص: ۳۴-۶ (۲۹)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۲ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۶

تحقیقات تاریخی

کتابخانه‌های ملی

کتابخانه‌ها صرف‌نظر از اهداف اصلی تأسیسشان اغلب دربردارنده بخش زیادی از دستاوردهای فرهنگی و علمی جامعه هستند و به دلیل حفظ میراث مکتوب فرهنگ‌ها و انتقال آن به نسل‌های بعدی همواره مورد توجه بوده‌اند. با توسعه و پیشرفت جوامع، کتابخانه‌ها نیز در عرضه خدمات، اهداف و وظایف خود روند تکامل را طی کردند و انواع گوناگونی از آن‌ها از جمله کتابخانه‌های دانشگاهی، عمومی، آموزشگاهی و... برای گروه‌های مختلف مردم پدید آمد. در این بین، کتابخانه‌های ملی پدیده‌ای جدیدتر از سایر انواع کتابخانه‌ها هستند. کتابخانه‌های ملی فرانسه، اتریش، بریتانیا، اسپانیا و پرتغال جزو اولین کتابخانه‌های ملی در دنیا به‌شمار می‌آیند (شاکری مطلق، ۱۳۹۰، ص ۱۰).

در پی جنبش‌های استقلال طلبانه از حکومت‌های استعمارگر و اهمیت یافتن هویت ملی، از نیمه نخست قرن ۲۰ میلادی، کتابخانه‌های ملی در آسیا و آفریقا هم ایجاد شدند. این دو عامل نشان می‌دهد که پیدایش تعدادی از کتابخانه‌های ملی با پیدایش مفهوم ملیت و تأسیس دولت‌های ملی همراه بوده‌است. در واقع تأسیس کتابخانه‌های ملی در برخی از کشورها، بی‌تأثیر از تلاش ملت‌ها برای استقلال و حفظ هویت ملی نبوده‌است؛ بنابراین تنوع اهداف و وظایف این کتابخانه‌ها به تنوع علایق ملت‌های ایجادکننده آن‌ها بستگی دارد. از این رو عرضه تعریفی واحد از کتابخانه ملی اندکی دشوار است (محمدزاده و بزرگی، ۱۳۹۱، ص ۲۳).

نورالله مرادی در مقاله خود با عنوان «کتابخانه ملی چیست و چه می‌کند؟» تعریف یونسکو از کتابخانه‌های ملی در سال ۱۹۷۰ را این چنین بیان می‌کند:

کتابخانه‌های ملی -فارغ از اینکه به چه نامی خوانده شوند- مسئول فراهم‌آوری، حفظ و نگهداری نسخه‌هایی از منابعی هستند که در کشور متبوعشان منتشر می‌شود و در حکم کتابخانه «واسپاری» عمل می‌کنند؛ این وظیفه معمولاً به‌استناد قانون انجام می‌شود. کتابخانه‌های ملی عمدتاً چند وظیفه را برعهده دارند: تولید کتاب‌شناسی ملی؛ تهیه و روزآمد کردن مجموعه‌های بزرگ و چشمگیر از متون خارجی، از جمله کتاب‌هایی که درباره کشور متبوع خودشان منتشر شده‌است؛ انجام وظیفه به‌عنوان مرکز اطلاعات کتاب‌شناختی ملی؛ تهیه فهرستگان ملی؛ و انتشار کتاب‌شناسی ملی گذشته‌نگر. اگر کتابخانه‌ای «ملی» خوانده شود، ولی آنچه انجام می‌دهد با وظایف مذکور مطابقت نداشته باشد، در زمره کتابخانه‌های ملی محسوب نمی‌شود (مرادی، ۱۳۸۷، ص ۲۶).

طبق تعریفی که در بالا آمد گردآوری، سازمان‌دهی، حفاظت و نگهداری از منابع منتشر شده در محدوده جغرافیایی کشور متبوع خود، از وظایف مشابه کتابخانه‌های ملی



است. کتابخانه‌های ملی دست‌کم در دهه‌های نخست توسعه‌شان، در عرضه خدمات به عموم، سیاست‌هایی نسبتاً محافظه‌کارانه در پیش می‌گرفتند؛ یعنی بیشتر جنبه آرشیوی و موزه‌ای داشتند و هدفشان بیشتر حفظ و نگهداری منابع منتشر شده در کشورشان بود؛ اعم از منابع خطی و چاپی. از دیگر سو، کتابخانه‌های ملی به علت سیاست آرشیوی در حفظ و نگهداری منابع از موقعیتی مستقل برخوردار بودند و این موضوع باعث شده بود تا در امانت بین کتابخانه‌ای که یکی از فعالیت‌های کتابخانه‌ای به‌شمار می‌رود، شرکت نکنند؛ ولی با گذر زمان، در آخرین دهه‌های سده ۲۰ به علت تغییر در وضعیت اجتماعی-فرهنگی و افزایش تعداد افراد و سازمان‌های درگیر با علم و تکنولوژی وضعیت تغییر کرد و باعث افزایش تعداد منابع اطلاعاتی چاپی و به‌ویژه منابع مرجع داخلی و خارجی شد. امروزه می‌توان گفت که کتابخانه‌های ملی در کنار حفظ و صیانت از محمل‌های مختلف نوشتاری و دیداری و شنیداری و وظیفه اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشیدن به اقشار مختلف جامعه را هم برعهده دارند (مرادی، ۱۳۸۷، صص ۲۷-۲۸).

زمینه‌ها و بنیادهای تأسیس کتابخانه ملی ایران

باتوجه به تلاش‌های فرهنگی در دوران قاجار و پهلوی اول که تا حد زیادی متأثر از دستاوردهای فرهنگی و تمدنی مغرب‌زمین بود، به نظر می‌رسد که اندیشه ایجاد کتابخانه ملی در ایران هم بی‌تأثیر از روند طی شده این موضوع در اروپا نبوده باشد. تاریخ پیدایش نخستین کتابخانه‌های ملی در جهان با در نظر گرفتن زمان تشکیل هسته اولیه مجموعه، تا قرن ۱۴ میلادی به عقب می‌رود. برای نمونه هسته اولیه کتابخانه ملی فرانسه از مجموعه کتاب‌های متعلق به شارل پنجم تشکیل شد. ظهور تحولات علمی در قرن ۱۵ میلادی و پیدایش اندیشه نوزایی خرد و دانش در اروپا - که رنسانس نام گرفت - تأثیری مستقیم بر روند تکاملی کتابخانه‌ها داشت. چنین بود که کتابخانه‌های مرکزی بزرگی پدید آمدند که بعدها هر کدام بنیاد کتابخانه‌های ملی اروپا شدند. از مهم‌ترین کتابخانه‌های ملی تشکیل شده در این عصر می‌توان به کتابخانه ملی فرانسه، کتابخانه موزه انگلیس، کتابخانه ملی اتریش، کتابخانه دولتی برلین^۱ و کتابخانه ملی مادرید اشاره کرد. تاریخ شکل‌گیری کتابخانه‌های ملی مطرح در اروپا سده‌ها از تأسیس رسمی آن‌ها فاصله دارد و این کتابخانه‌ها در آغاز هرگز بانام کتابخانه ملی شناخته نمی‌شدند. بیشتر آن‌ها از آغاز کتابخانه‌های درباری و سلطنتی بودند؛ به همین لحاظ سیر تکاملشان با سیر تکامل کتابخانه ملی ایران مشابهت‌های زیادی دارد. در واقع شکل‌گیری نطفه اولیه کتابخانه‌های ملی اروپا به سده‌های ۱۴ تا ۱۸ میلادی برمی‌گردد؛ ولی تأسیس رسمی آن‌ها در فاصله

1. Staatsbibliothek zu Berlin



بین قرن هجده تا بیست اتفاق افتاده است. در نیمه قرن ۱۵ میلادی، علم جدید آغاز شد و در پی رشد علم نوین و انقلاب صنعتی و به ویژه اندیشه نوزایی خرد و دانش در اروپا که رنسانس نام گرفت، دانش و صنعت نوین در اروپا پا گرفت؛ همچنین در عرصه فرهنگی هم تحولاتی تازه پدید آمد و چنین شد که برپایه این تحولات، پایگاه‌ها و مراکز فرهنگی از جمله کتابخانه‌ها رویکرد و تحولی تازه به خود گرفتند و کتابخانه‌های مرکزی بزرگی پدید آمدند که بعدها هریک بنیاد کتابخانه‌های ملی اروپا شدند (مزینانی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸؛ مرادی، ۱۳۸۷، ص ۲۷).

در سده ۱۹ میلادی بیشتر کشورهای اروپایی و در سده ۲۰ میلادی تقریباً همه کشورهای اروپایی کتابخانه ملی داشتند. در اواخر قرن ۱۹ و هم‌چنین در نیمه نخست قرن ۲۰ ایالات متحده آمریکا و برخی از کشورهای آمریکای لاتین هم کتابخانه ملی تأسیس کردند. این کتابخانه‌ها در آغاز از ادغام چند کتابخانه دیگر ایجاد شدند. به عبارت بهتر، هسته اولیه منابع این کتابخانه‌ها را مجموعه کتابخانه‌های دیگر تشکیل می‌داد. برای نمونه می‌توان به کتابخانه کنگره آمریکا اشاره کرد که در آغاز (۱۸۰۰م/۱۲۱۴ق/۱۱۷۸ش) با کتابخانه کوچک توماس جفرسون (سومین رئیس جمهور آمریکا) تأسیس شد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۱۴؛ خسروی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۲۵).

انگیزه‌های ایجاد کتابخانه ملی ایران

برای یافتن انگیزه‌های ایجاد کتابخانه ملی ایران، اوضاع فرهنگی و علمی آن روزگار ایران و دیگر کشورهای دور و نزدیک به‌ویژه اروپا را باید بررسی کرد.

ارتباط و آشنایی ایرانیان با اروپا به روزگار فتح‌علی‌شاه قاجار برمی‌گردد. این روزگار دوران اوج تحول و پیشرفت علمی و فرهنگی و صنعتی در اروپا بوده است. سفیران و نمایندگان دربار ایران در سفر به اروپا با اختراعات و تحولات نوین اروپا آشنا شدند و پس از فراگیری صنایع نوین اروپا در بازگشت به ایران دستگاه‌هایی را هم به‌همراه خود به ایران آوردند. ادامه این ارتباط و اوج آن مربوط به عصر ناصرالدین‌شاه و به‌ویژه متأثر از سفرهای او به فرنگ است. نخستین دستگاه‌های چاپ کتاب را سفرا و نمایندگان و گماشتگان دربار قاجار و هم‌چنین بازرگانانی که به اروپا می‌رفتند، به ایران وارد کردند. با تشکیل انجمن‌هایی همچون انجمن معارف گام‌های بزرگ و تازه‌ای در برآورده شدن چنین اهدافی برداشته شد. در واقع شیوه نوین آموزش و پرورش با تلاش چنین انجمن‌هایی و با هدف سوادآموزی هرچه بیشتر و بهتر ایرانیان، از اروپا به ایران وارد شد.

در نیمه دوم سلطنت قاجار رویدادهایی همچون تأسیس دارالفنون (۱۲۶۸ق/۱۲۳۰ش)،



آشنایی و ارتباط تدریجی ایرانیان با تمدن غرب و ورود مظاهر آن به ایران و آگاهی آنان از مفاهیمی چون استقلال و ملیت، موجب تغییر در سرنوشت ایران شد. در این زمان با گسترش دانش مکتوب بشری تحولات عظیم فرهنگی در ایران به وجود آمد و فکر تجدد با قوتی بیشتر در ایران نمایندگی شد. تأسیس دارالفنون به عنوان اولین نهاد آموزش عالی در ایران، احتمالاً بنیانی ترین ابتکار برای پیش راندن ایران به سوی دوران تجدد بوده است (قاسمی، ۱۳۹۱، صص ۵۶-۵۷).

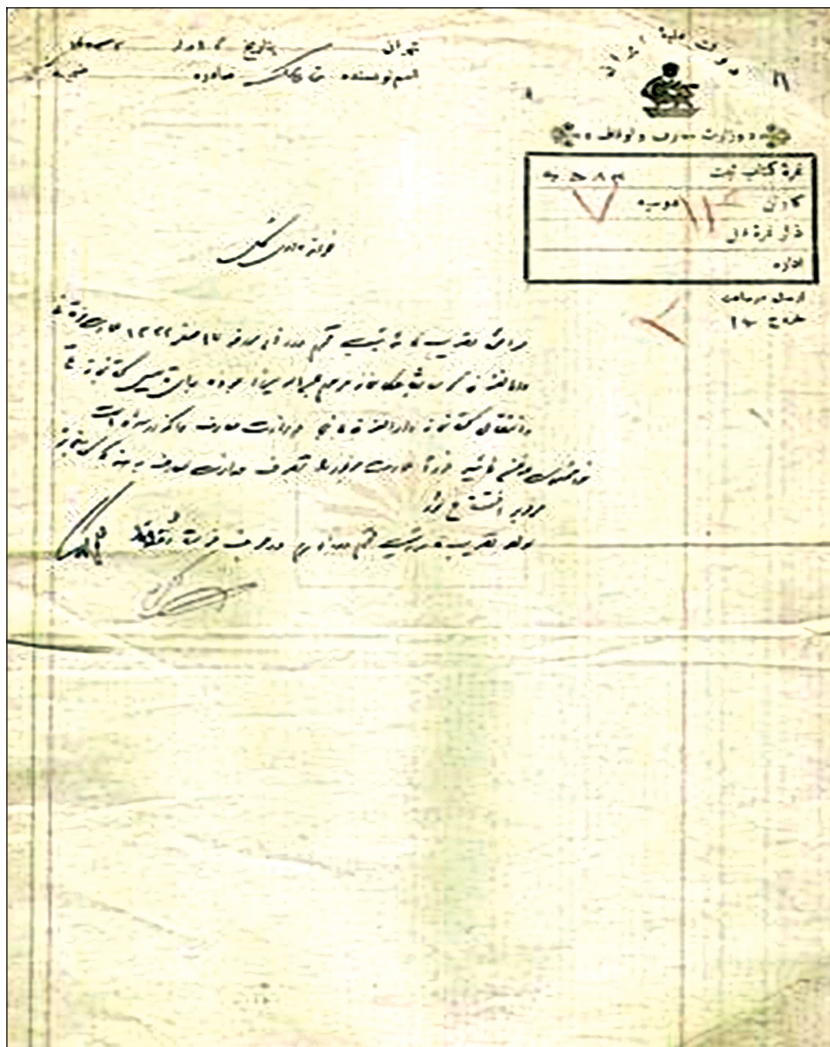
بدیهی است که نیاز به کتابخانه با گسترش روزافزون علوم و فنون در مکان‌ها و زمان‌های گوناگون احساس می‌شد. با وجود قدمت زیاد کتابخانه‌ها در ایران، پیدایش مفهوم «کتابخانه ملی» - به عنوان یکی از مظاهر تجدد - حاصل ارتباطات بین‌المللی و آشنایی ایرانیان با تمدن غرب بوده است. ارتباط ایرانیان با اروپا و آشناسدن افراد تحصیل کرده ایرانی با مظاهر تمدن علمی اروپا و تأثیرپذیری از پیشرفت‌های فرهنگی و تمدنی غرب، سبب ایجاد مفاهیمی جدید و رشد و توسعه پاره‌ای از نهادهای فرهنگی شد که تأسیس کتابخانه ملی را هم در همین راستا می‌توان برشمرد.

کتابخانه دارالفنون در سال ۱۲۸۰ ق/ ۱۲۴۳ ش برپایه درخواست وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه از خزانه‌داری کل، مبنی بر واگذاری عمارت فوقانی مدرسه دارالفنون به وزارت مزبور (براساس مصوبه هیئت وزیران) برای تأسیس کتابخانه، برای استفاده شاگردان و معلمان تشکیل شد و کار گردآوری کتاب برای آن شروع شد (ساکما، ۳۶۶۳۱-۲۹۷). (تصویر شماره ۱)

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه هم‌چنین از وزارت دارایی درخواست کرد که مبلغی بابت مرمت و تعمیرات وزارت معارف و مدرسه دارالفنون پرداخت شود که تأیید شد (ساکما، ۳۵۹۹۶-۲۴۰).

با تأسیس مدرسه دارالفنون، انتشار جراید و مجلات، پیدایش اندیشه‌های نو درباره حکومت، افزایش ارتباطات فرهنگی ایرانیان با جهان خارج و ... فرهنگ سنتی ایران تکانی خورد. در این راستا قشری جدید به عنوان آزادی خواه، مشروطه طلب و روشن فکر، فارغ از عقاید و باورهای متفاوت، برای رهانیدن ایران از افول صنعتی و فرهنگی، به جوش و خروش برخاستند و هم‌صدا با یکدیگر برای از میان بردن استبداد و برقراری عدالت کوشیدند که نتیجه آن را باید آشنایی مردم با علوم جدید، مطالبه عدالت خانه و در نهایت انقلاب مشروطه دانست که در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ ش/ ۱۳۲۴ ق به امضای مظفرالدین شاه رسید (ناطق، ۱۳۷۵، ص ۱۵).





تصویر ۱

تقاضای وزارت معارف از خزانه‌داری کل
در خصوص واگذاری عمارت فوقانی دارالفنون
برای تأسیس کتابخانه ملی
ماخذ: ساکما، ۱۳۶۳، ۲۹۷-۳۶۶

با وقوع انقلاب مشروطیت که در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ریشه داشت، تغییر نظام آموزشی و شکل‌گیری نهاد جدید آموزش سرعت گرفت. توسعه ارتباطات و آگاهی از پیشرفت‌های ملل دیگر بر نظام آموزش تأثیر زیادی گذاشت. این انقلاب موجب بیداری و آگاهی ایرانیان و روی آوردن آن‌ها به نوآوری و نوگرایی شد. تاجایی که می‌توان شکل‌گیری پایه‌های کتابخانه ملی را به دوران مشروطه نسبت داد. در واقع کتابخانه ملی نیز یکی از ده‌ها نهاد ملی بود که با اهمیت یافتن ملیت و مشارکت مردم در سرنوشت خود شروع به شکل‌گیری کرد (امین، ۱۳۸۱، ص ۱۹).

چند سال بعد از جنبش مشروطه، رضاخان با کودتای اسفند ۱۲۹۹ ش/ ۱۳۳۸ ق به قدرت رسید و در سال ۱۳۰۴ ش/ ۱۳۴۴ ق مراسم تاج‌گذاری و تأسیس حکومت پهلوی را به‌طور رسمی انجام داد. او به‌عنوان اولین پادشاه سلسله پهلوی، در جهت تثبیت خود و ایجاد حکومتی الهام‌گرفته از غرب، به یکسری اصلاحات دست زد. رضاشاه در زمان پادشاهی خود که تا شهریور ۱۳۲۰ ش/ ۱۳۶۰ ق ادامه داشت، تلاش کرد تا کشور را به سبک غرب درآورد. ایران در دوران شانزده‌ساله سلطنت رضاشاه شاهد شتاب گرفتن فرایند تجدد بود (تخشید، ۱۳۷۷، ص ۹۳).

رضاشاه تلاش کرد تا با ایجاد دولتی مرکزی و مقتدر و الگوبرداری از تحولات کشورهای اروپایی بخش‌های سیاسی و اجتماعی جامعه را اصلاح کند. در این دوره نسبتاً کوتاه با مشارکت روشن‌فکران برآمده از انقلاب مشروطیت، دولتی با ساختار مدرن شکل گرفت که با سرعت به تأسیس نهادهای جامعه مدرن پرداخت. به‌موازات اقداماتی تأثیرگذار نظیر اصلاح امور مالیاتی و بودجه عمومی و نظام‌های اداری، قضایی، آموزشی، و تشکیل ارتش نوین به تأسیس نهادهای فرهنگی نیز توجه شد.

تأسیس کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران در سال ۱۳۱۶ ش تأسیس شد. هسته اولیه این کتابخانه مجموعه کتاب‌های کتابخانه دارالفنون بود به‌همراه کتاب‌های کتابخانه انجمن معارف که پیش‌تر به دارالفنون منتقل شده بود (پوراحمد جکتاجی، ۱۳۵۷، ص ۳).

کتابخانه معارف در دوران آشنایی نسبی مردم با فرهنگ غرب (پیش از مشروطه) تشکیل شد. در سال ۱۳۱۵ ق/ ۱۲۷۶ ش انجمنی برای اشاعه فرهنگ جدید و حمایت از مدارس جدید در ایران تشکیل شده بود. در ابتدا نام این انجمن را «انجمن مکاتب ملیه ایران» و بعدها انجمن معارف گذاشتند. ریاست این انجمن در آن دوره برعهده حاج میرزا محمودخان احتشام‌السلطنه بود. تأسیس مدارس به سبک جدید، تدوین کتاب‌های درسی، ایجاد کتابخانه، دارالترجمه، دارالتألیف، برگزاری کلاس‌های شبانه برای بزرگسالان و انتشار روزنامه معارف، از جمله اقدامات انجمن معارف به‌شمار می‌آید. هدف از تأسیس انجمن معارف در وهله اول، ایجاد مدارس جدید براساس الگوهای اروپایی برای تربیت قشری تحصیل‌کرده و همچنین ایجاد کتابخانه‌هایی به‌شیوه غربی بود (درانی، ۱۳۸۰، صص ۱۲۵-۱۲۶؛ آدمیت، ۱۳۵۵، ص ۱۵۹).

اعضای انجمن معارف فعالیت‌های فرهنگی متعددی را انجام دادند. یکی از اقدامات فرهنگی آن‌ها تأسیس کتابخانه ملی معارف بود. اختصاص نام ملی به این کتابخانه به‌این علت بود که به دولت هیچ‌گونه‌ای وابستگی نداشت و مردمی بود. کار انجمن معارف



از آغاز با شور و موفقیت همراه بود؛ ولی مخالفان زیادی هم داشت (قاسمی پویا، ۱۳۷۷، ص ۲۶۷)؛ چنانکه در سال ۱۳۱۶ق/۱۲۷۷ش (یک سال بعد از تأسیس انجمن معارف) کتابخانه ملی معارف (کتابخانه ملتی) به علت اختلافات داخلی و ناهمگونی بین اعضای انجمن، و اوضاع نامناسب سیاسی کشور و هم‌چنین وجود افراد سودجو و جاه‌طلب در بین اعضا تعطیل شد. بعد از تلاش‌های بسیار اعضای انجمن برای راه‌اندازی مجدد از جمله پیگیری‌های نصرالله تقوی و میرزا محمدعلی خان نصره‌السلطان و ملک‌المکلمین کتابخانه ملی معارف (کتابخانه ملتی) در سال ۱۳۲۴ق/۱۲۸۴ش برای بار دوم شروع به کار کرد و برای آن تشکیلات و نحوه اداره نیز تدوین شد (ملک‌زاده، ۱۳۷۱، ص ۷۱؛ مرسل‌وند، ۱۳۶۹، ص ۲۷۰).

در زمان وزارت معارف علاءالملک در سال ۱۳۲۴ق/۱۲۸۴ش کتاب‌های کتابخانه ملی معارف (کتابخانه ملتی) به کتابخانه دارالفنون منتقل شد و این کتابخانه با همان نام کتابخانه ملی معارف انجام وظیفه می‌کرد تا زمان وزارت حکیمی (میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک) در سال ۱۳۳۸ق/۱۲۹۸ش که نام کتابخانه معارف را بر کتابخانه ملی معارف نهادند (صمیعی، ۱۳۸۷، ص ۳۴).

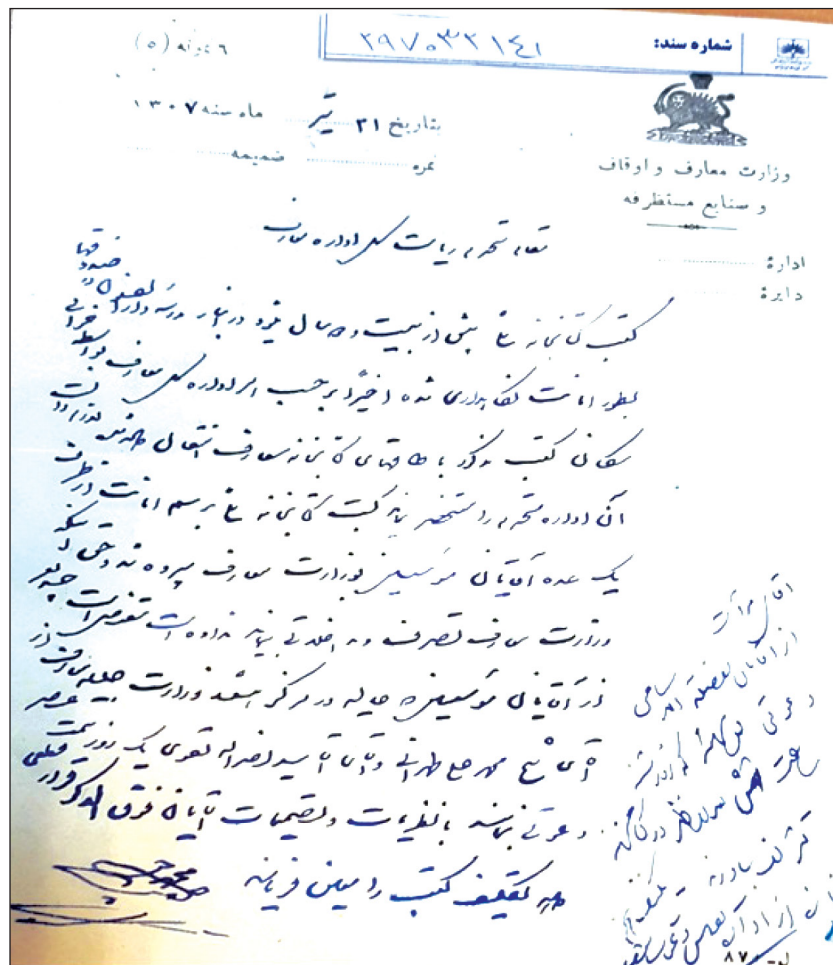
رئیس سابق کتابخانه معارف هم‌زمان با پیروزی کوتاه‌مدت مشروطه‌خواهان و تشکیل مجلس اول، پیشنهاد تأسیس کتابخانه ملی را مطرح و موافقت وزارت معارف را جلب کرد؛ ولی به علت شرایط ناامن ناشی از به‌توپ بسته شدن مجلس در سال ۱۳۲۶ق/۱۲۸۷ش، ساخت کتابخانه ملی از ترس غارت به‌دست مردم کاملاً متوقف شد (ساکما، ۳۲۱۴-۲۹۷؛ صمیعی، ۱۳۸۷، ص ۳۴).

بالاخره کتابخانه معارف در دوره وزارت معارف علی‌اصغر حکمت، با تصویب نظامنامه در ۹ دی ۱۳۱۳ش به «کتابخانه عمومی معارف» تغییر نام داد و به‌عنوان یکی از دوایر انطباعات وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه شروع به کار کرد (اخگر، ۱۳۷۴، ص ۱۰۴).

در سال ۱۳۱۳ش علاوه بر تنظیم نظامنامه، رویداد دیگری هم رخ داد که می‌توان گفت نقشی مهم در پیدایش کتابخانه ملی داشت. در این سال کنگره فردوسی در ایران برگزار شد و برای نخستین بار خاورشناسان و ایران‌شناسان بسیاری از سراسر جهان گرد آمدند. در خاتمه، نوشته‌ها و پژوهش‌های خاورشناسان و ایران‌شناسان میهمان در این کنگره گردآوری شد (فانی، ۱۳۸۳، ص ۶۴).

۱. هم‌زمان در جوار آرامگاه فردوسی و در مدرسه دارالفنون.





تصویر ۲

دعوت از شیخ محمدعلی طهرانی و نصراله
تقوی برای تعیین تکلیف کتاب‌های کتابخانه ملی
ماخذ: ساکها، ۲۹۷-۳۲۱۴۱

لزوم ایجاد مکانی برای نگهداری این آثار موجب شد تا بعد از اتمام کنگره، تالاری
برای مطالعه در مدرسه دارالفنون اختصاص دهند. نبود فضای مناسب در این مدرسه باعث
شد تا علی اصغر حکمت (وزیر معارف وقت)، در سال ۱۳۱۵ش به فکر اقدامی اساسی
برای مقابله با مشکل کمبود جا بیفتد. او علاوه بر درخواست ساختمانی مجزا برای کتابخانه
عمومی معارف، درخواست تأسیس کتابخانه ملی ایران را نیز مطرح کرد (شاکری مطلق،
۱۳۹۰، ص ۸۰؛ صمیعی، ۱۳۸۷، ص ۳۵). با درخواست حکمت موافقت شد و در کنار
ساختمان موزه ایران باستان - که در غرب میدان مشق تهران (تقاطع خیابان امام خمینی و
سی تیر امروزی) در حال ساخت بود - زمینی به مساحت ۲۵۰۰ مترمربع برای تأسیس
کتابخانه در نظر گرفته شود. آندره گدار (باستان‌شناس و معمار مشهور فرانسوی)، برای

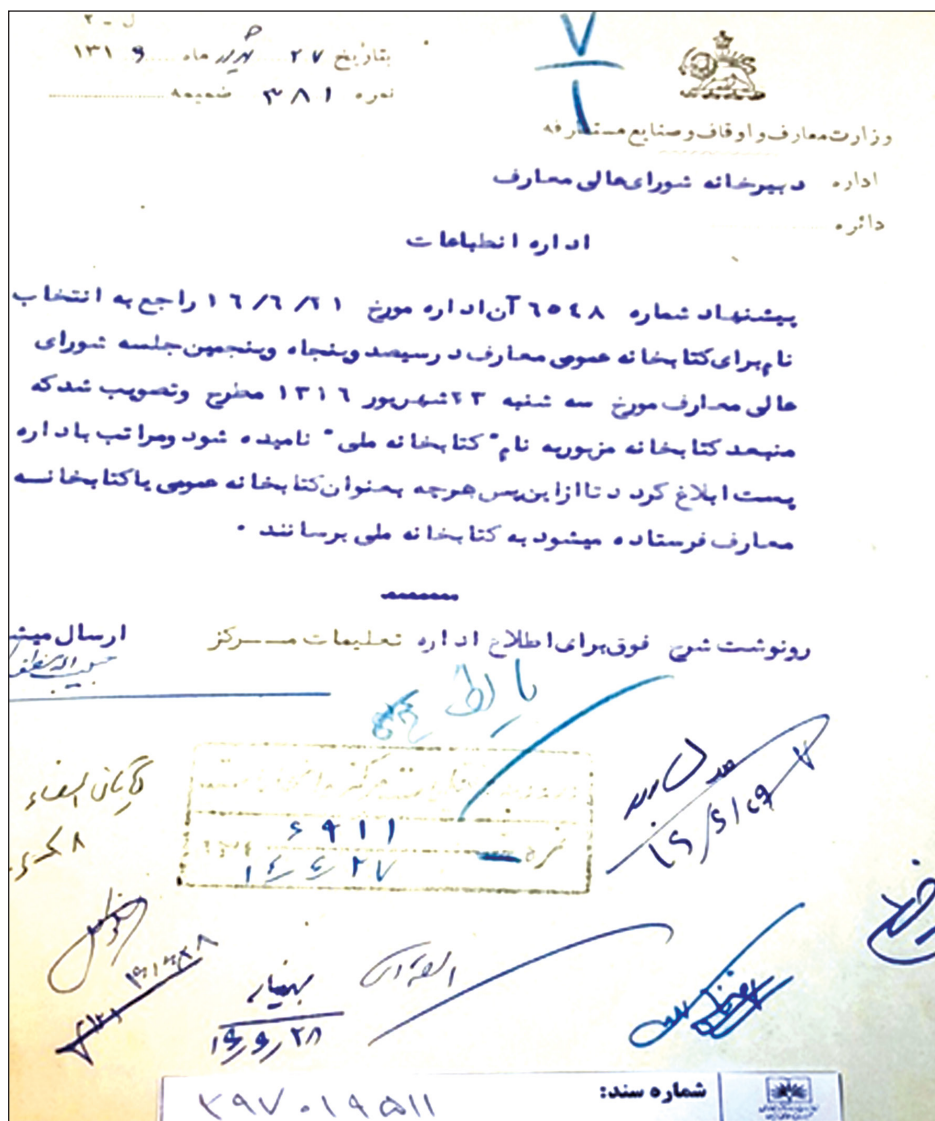
تهیه نقشه‌ای متناسب با معماری کتابخانه مأمور شد. او طی اقامت سی‌ساله‌اش در ایران از آثار تاریخی و باستانی بسیاری بازدید کرده بود و این ذهنیت در طراحی او مؤثر افتاد (افشار و نوذری، ۱۳۸۷، ص ۲۶۳). کار ساختمان در سال ۱۳۱۶ش به‌تمام رسید و به‌دستور وزیر معارف، علی‌اصغر حکمت، ساختمان به مهدی بیانی تحویل داده شود (صمیعی، ۱۳۸۷، ص ۳۶).

بعد از اتمام کنگره فردوسی علی‌اصغر حکمت و دیگران تصمیم گرفتند تا کتابخانه عمومی معارف به کتابخانه ملی تغییر نام دهد و همه کتاب‌های کتابخانه عمومی معارف از ساختمان دارالفنون به کتابخانه جدید منتقل شود. سرانجام کتابخانه ملی ایران رسماً در ۳ شهریور ۱۳۱۶ش در مکان مذکور (خیابان سی تیر امروزی) به بهره‌برداری رسید. اسناد فراوانی در این باره در دست است که نشان‌دهنده لزوم به‌کارگیری نام کتابخانه ملی در مکاتبات است که در ادامه به ۲ نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. اداره انطباعات

پیشنهاد شماره ۶۵۴۸ آن اداره مورخ ۱۳۱۶/۰۶/۲۱ راجع به انتخاب نام برای کتابخانه عمومی معارف در سیصد و پنجاه و پنجمین جلسه شورای عالی معارف مورخ سه‌شنبه ۲۳ شهریور ۱۳۱۶ش مطرح و تصویب شد که من بعد کتابخانه مزبور به نام «کتابخانه ملی» نامیده شود و مراتب به اداره پست ابلاغ گردد تا از این پس هر چه به‌عنوان کتابخانه عمومی یا کتابخانه معارف فرستاده می‌شود به کتابخانه ملی برسانند. (ساکما، ۱۹۵۱-۲۹۷). (تصویر شماره ۳)



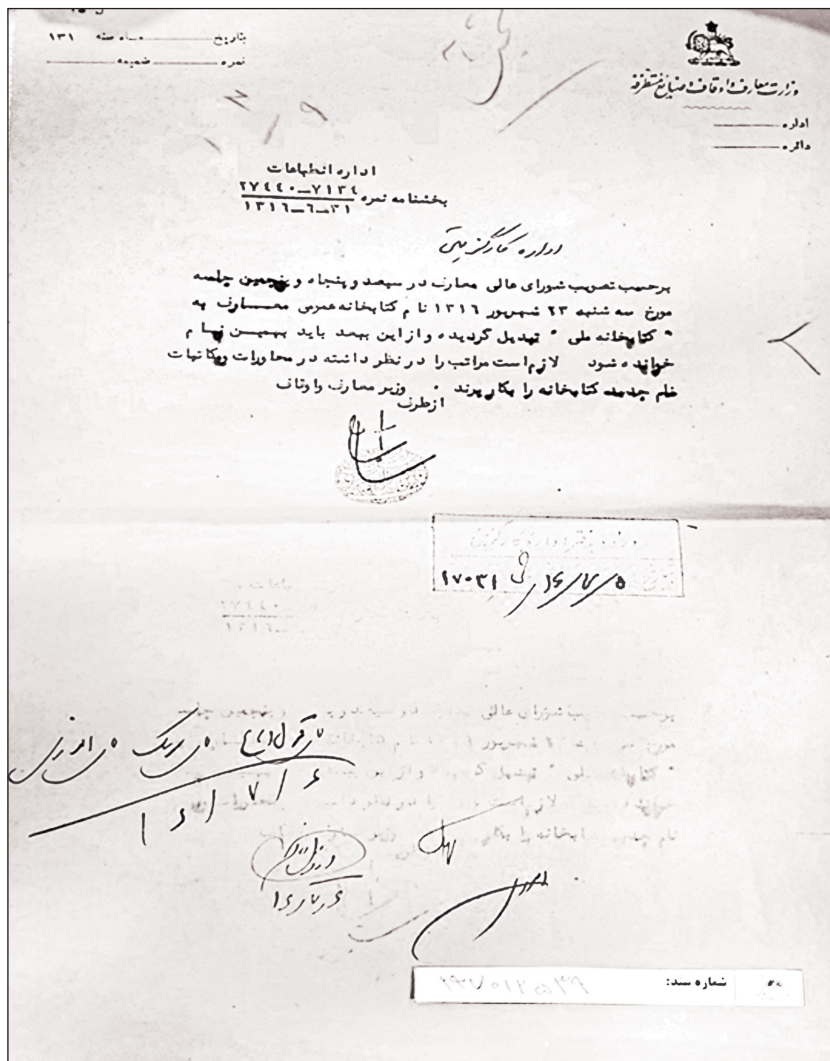


تصویر ۳

نام گذاری کتابخانه ملی ایران
ماخذ: ساکما، ۱۹۵۱۱-۲۹۷

۲. اداره کارگزینی

برحسب تصویب شورای عالی معارف در سیصد و پنجاه و پنجمین جلسه مورخ سه شنبه
۲۳ شهریور ۱۳۱۶ ش نام کتابخانه عمومی معارف به «کتابخانه ملی» تبدیل گردیده و
از این به بعد باید به همین نام خوانده شود. لازم است مراتب را در نظر داشته در محاورات
و مکاتبات نام جدید کتابخانه را به کار برند. (ساکما، ۱۲۵۳۹-۲۹۷). (تصویر شماره ۴)



تصویر ۴

نام گذاری کتابخانه عمومی معارف
به نام کتابخانه ملی
ماخذ: ساکما، ۱۲۵۳۹-۲۹۷:

میزان تأثیرپذیری تأسیس کتابخانه ملی ایران از اروپاییان

پرسش مهمی که در موضوع ایجاد کتابخانه ملی ایران پیش روی پژوهشگران و اندیشمندان قرار دارد، این است که آیا اندیشه ایجاد کتابخانه بزرگی در ایران بانام کتابخانه ملی ایران که کتابخانه مادر و اصلی کشور باشد، گونه‌ای پیروی و تقلید از اروپا بوده است یا نه؟
تردید نیست که روزگار قاجار، اوج پیوند و ارتباط و آمدوشدهای فراوان اروپاییان به ایران و ایرانیان به اروپا بوده است و چنانکه گفته شد رگه‌های آغازین ارتباط نوین ایران و اروپا را از زمان فتح‌علی شاه قاجار می‌توان مشاهده کرد. تحولات نوینی که به‌ویژه در

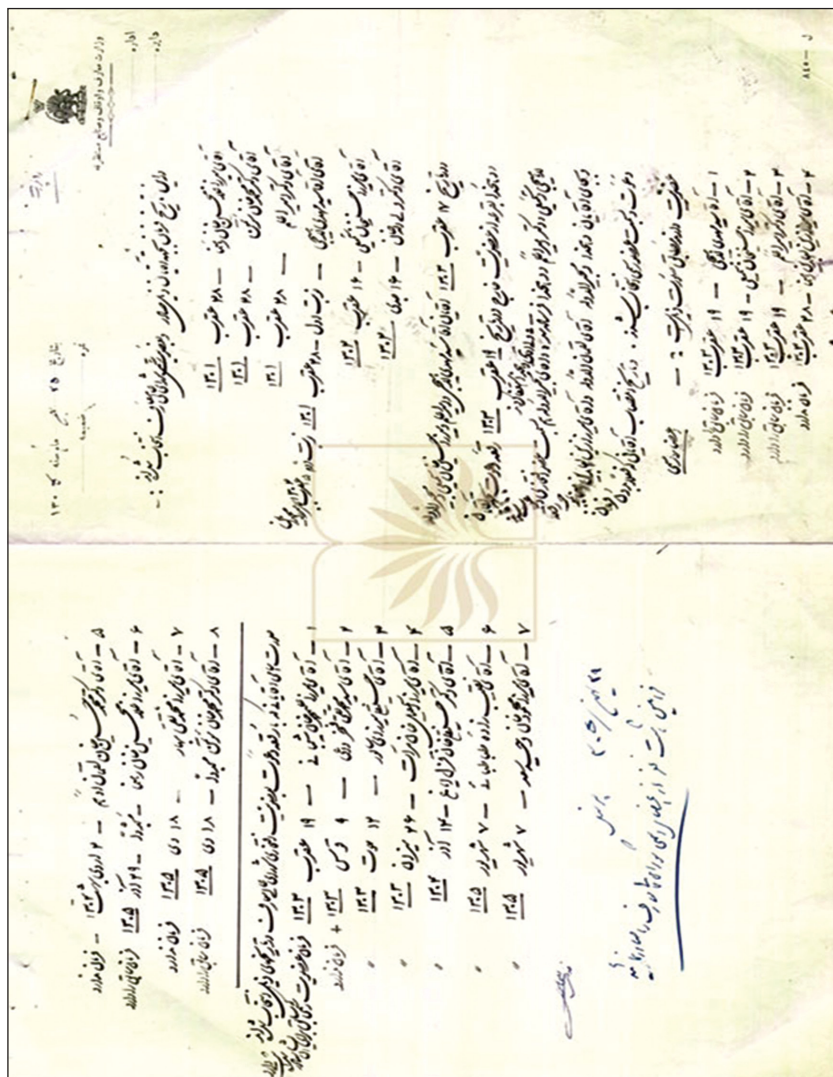
اختراعات و اکتشافات و صنعت در اروپا رخ داد، باعث شد تا اشخاصی که به عنوان سفیر و نماینده دربار به اروپا رفت و آمد داشتند، با اختراعات و تحولات نوین اروپا آشنا شوند و پس از فراگیری صنایع نوین در اروپا در بازگشت به ایران دستگاه‌هایی از دستاوردهای صنایع نوین اروپا همچون ماشین‌های چاپ را به همراه خود به ایران بیاورند. این ارتباط و رفت و آمد از زمان ناصرالدین شاه قاجار افزایش یافت. دوره حکومت ناصرالدین شاه دوره اوج اندیشه‌های اصلاح‌طلبی و پیشرفت‌خواهی در جامعه ایران و خیزشی به سوی ایجاد تحولی اجتماعی بود. با تشکیل انجمن معارف در عهد مظفرالدین شاه، گام‌هایی بزرگ و تازه در راستای اصلاحات و تغییر در ساختار فرهنگی، سیاسی، و اجتماعی کشور برداشته شد. درست است که شیوه نوین آموزش و پرورش با تلاش چنین انجمن‌هایی و با هدف سوادآموزی هرچه بیشتر و بهتر ایرانیان، از اروپا به ایران وارد شد و نخستین دستگاه‌های چاپ کتاب را هم سفرا و نمایندگان و گماشتگان دربار قاجار و همچنین بازرگانان از اروپا وارد ایران کردند، ولی باین همه نمی‌توان هر دگرگونی و تحول فرهنگی پدیدآمده در ایران آن روزگار را هم به جهان خارج و به‌ویژه به اروپا نسبت داد.

فکر ایجاد کتابخانه ملی ایران از اندیشه‌های پیشرفت‌خواهی و مترقی و تجددطلبی ایرانیان در روزگاران نوین برخاسته است. این اندیشه ابتدا از جنبش‌های مردمی اصلاحی و روشن‌اندیشانی مانند رشديه و برخی از اندیشمندان اصلاح‌طلب و روشن‌اندیش و آزادی‌خواهی سرچشمه گرفت که خواهان پیشرفت و تجددطلبی هرچه بیشتر ایرانیان در دانش‌های گوناگون بودند (مرادی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۳۹۲)؛ به دیگر سخن در کنار تأثیرپذیری اندیشه ایجاد کتابخانه ملی ایران از اروپا، نقش فرهنگ‌دوستان ایرانی را هم در بنیان‌گذاری این کتابخانه باید مدنظر قرار داد.

قانون‌مندی و دولتی شدن کتابخانه ملی ایران

کتابخانه معارف از آغاز کتابخانه‌ای عمومی، غیرانتفاعی و غیردولتی بود که بودجه آن از بنگاه‌های خصوصی فراهم می‌شد و بنیادگذاران آن از اعضای انجمن معارف بودند. بعد از انحلال انجمن معارف، شورای عالی معارف مرکب از تعدادی از وزرا و مقامات دولتی و تعدادی از رجال اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۲۸۰ ش تأسیس شد که اعضای آن عبارت بودند از: غلام‌حسین رهنما؛ محمد مؤتمن؛ دکتر امیراعلم؛ سیدمهدی لاهیجی؛ حسین سمیعی؛ علی محمد شبیانی؛ محمدتقی فخر داعی؛ حسین قلی میرزا سالور؛ اسمعیل مرآت؛ حسین قلی قزل ایاغ؛ نقیب‌زاده طباطبایی؛ و محمود وحید سعد. این شورا در عمل به عنوان بازوی مشاوره وزارت معارف عمل می‌کرد (ساکما، ۱۳۷۰/۱۰/۲۹).





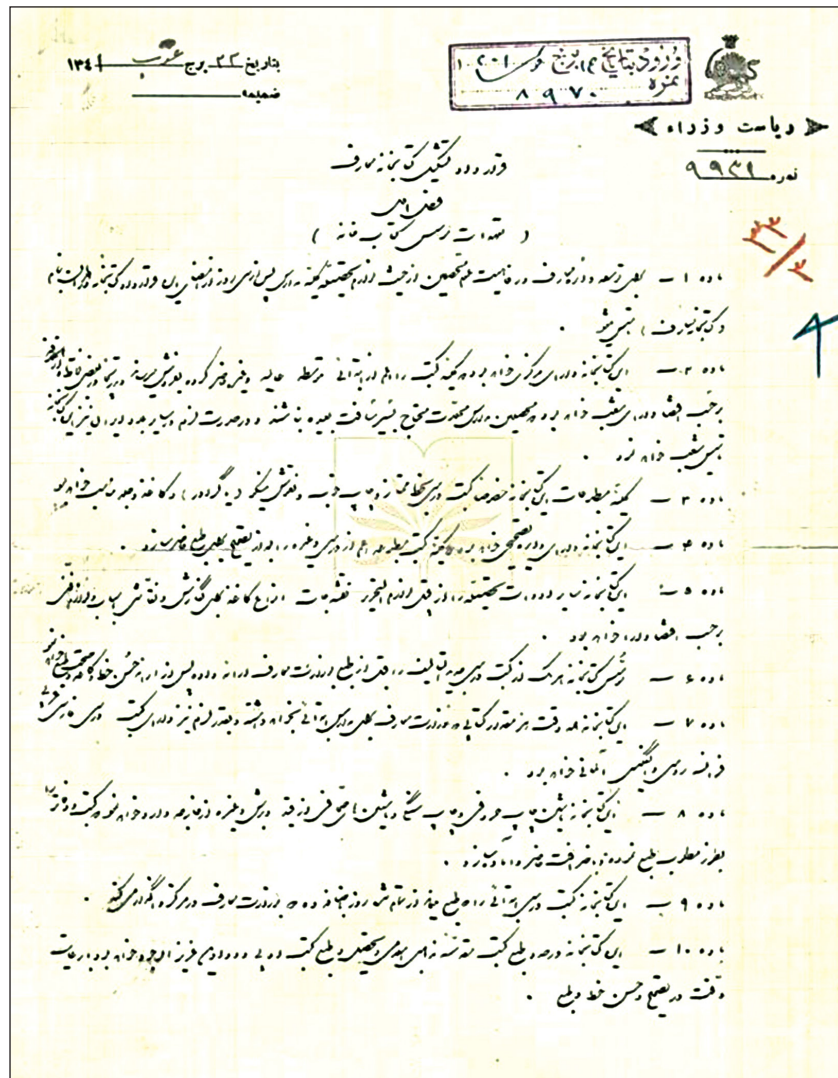
تصویر ۵

تعیین اعضا جهت صدور فرمان برای
عضویت در شورای عالی معارف
ماخذ: ساکها، ۱۳۲۷-۱۳۹۷: ۲۹۷

ادغام کتابخانه‌های ملی معارف و دارالفنون در سال ۱۲۸۴ش در زمان وزارت معارف
علاءالملک انجام شد و چنین اقدامی از آن رو انجام شد که امین‌السلطان (میرزا علی اصغر خان
اتابک) انجمن معارف را به دلیل آزاداندیشی آزادی‌خواهانی که پی‌درپی از شیوهٔ کشورداری
قاجاریان انتقاد می‌کردند، تعطیل کرد و برخی از اعضای آن را تبعید و یا زندانی کرد. به
همین سبب، کتابخانهٔ ملی معارف (کتابخانهٔ ملتی) هم تعطیل شد و چنین بود که کتاب‌های
کتابخانهٔ ملی معارف (کتابخانهٔ ملتی) به کتابخانهٔ دارالفنون منتقل شد. در آن روزگار این
کتابخانه همچنان بانام کتابخانهٔ مبارکهٔ دارالفنون خوانده می‌شد و به‌شیوهٔ کتابخانهٔ تخصصی



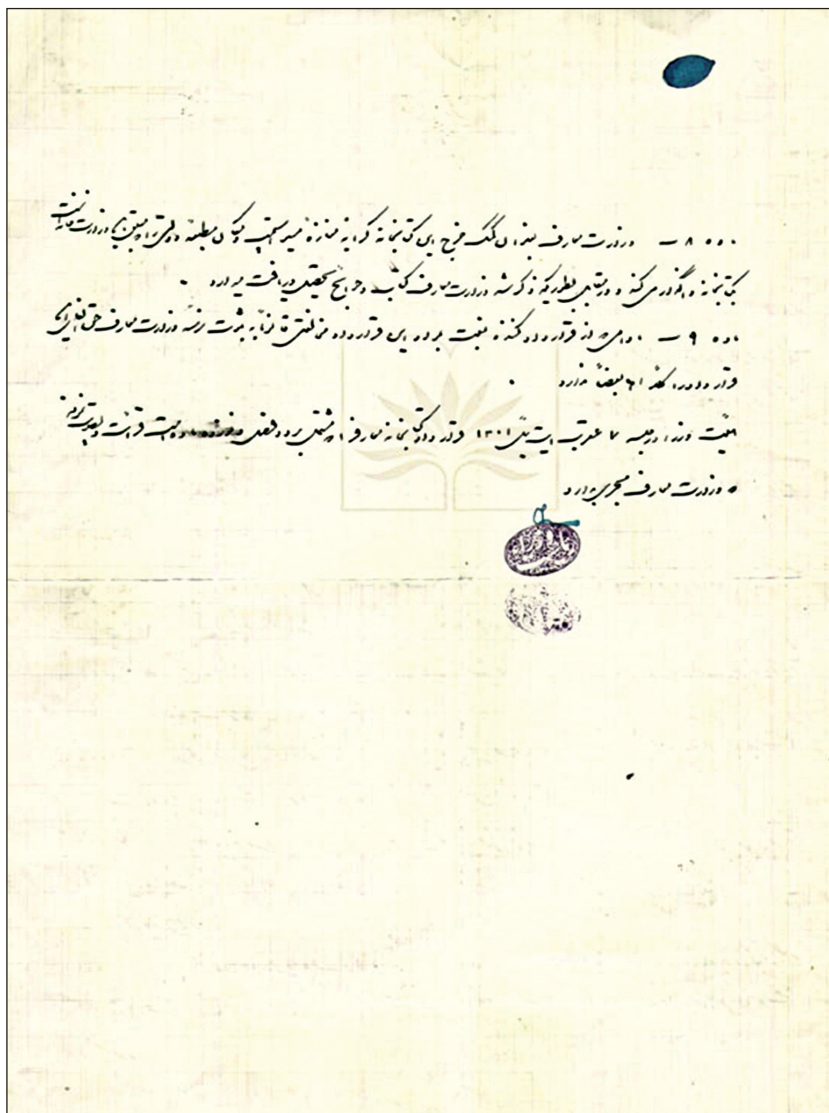
یک مدرسه اداره می شد و دارای ضوابط و قوانین رسمی یک کتابخانه کشوری نبود. هر چند به دلیل دولتی بودن مدرسه دارالفنون کتابخانه این مدرسه هم دولتی بود، ولی این کتابخانه ضوابط و آیین نامه یک کتابخانه رسمی کشوری را نداشت (اخگر، ۱۳۷۴، ص ۱۰۴).
هیئت وزرا در جلسه مورخ ۱۳۰۱ش قرارداد تشکیل کتابخانه معارف را شامل دو فصل، فصل اول تعهدات مؤسس کتابخانه با ده ماده و فصل دوم، مساعدت وزارت معارف با نه ماده تصویب کرد (ساکما، ۳۶۶۳۰-۲۹۷).



تصویر ۶

تصویب نامه هیئت وزرا در خصوص تشکیل کتابخانه معارف
ماخذ: ساکما، ۳۶۶۳۰-۲۹۷





ادامه تصویر ۶

تصویب نامه هیئت وزرا در خصوص
تشکیل کتابخانه معارف
ماخذ: ساکها، ۱۳۶۳-۲۹۷:

در سال ۱۳۰۲ ش برای سروسامان دادن و مشخص کردن وظایف کتابخانه معارف، نظامنامه‌ای به نام نظامنامه داخلی کتابخانه معارف که دربرگیرنده تشکیلات و وظایف و کارکردهای کتابخانه معارف بود، در ۲۷ ماده و یک تبصره به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید. این نخستین قانون و نظامنامه‌ای بود که رسماً از سوی قانون‌گذاران مجلس شورای ملی آن زمان، کارکردها و وظایف کتابخانه معارف را مشخص می‌کرد. این نظامنامه فقط کارکردها و وظایف کتابخانه معارف را تعیین کرده بود و به چگونگی خدمات‌دهی و



اطلاع‌رسانی و نگهداری کتاب‌ها هیچ اشاره‌ای نکرده بود، یعنی به ویژگی‌هایی که نظامنامه تشکیلات یک کتابخانه رسمی کشوری را تشکیل می‌دهد، اشاره‌ای نشده بود. چنین بود که تا این تاریخ، این کتابخانه به‌عنوان کتابخانه‌ای عمومی اداره می‌شد (محمدنیا سماکوش، ۱۳۹۰، ص ۲۳۴).

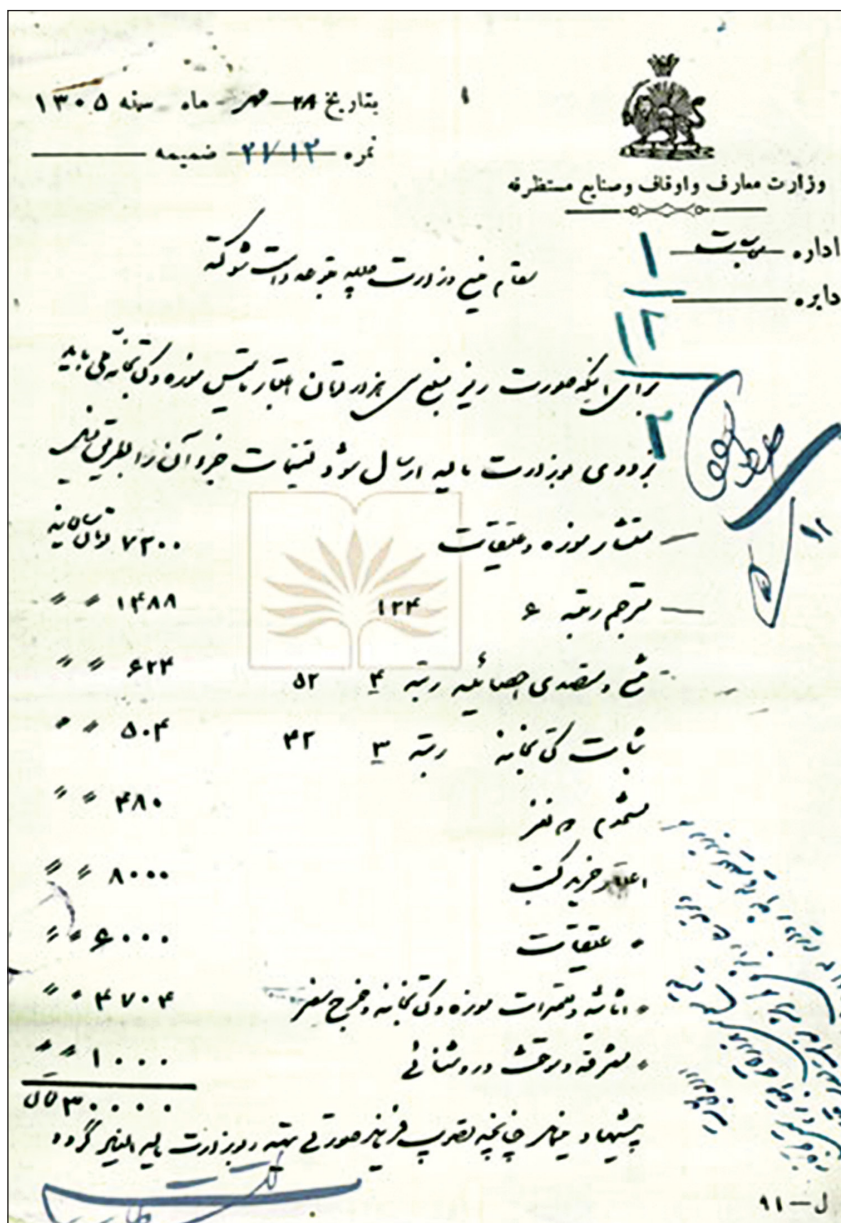
از تاریخ ۱۸ بهمن ۱۳۱۳ ش برای نخستین بار سازمان و تشکیلات این کتابخانه بانام دایره کتابخانه ملی، در قالب دولتی درآمد. علت این موضوع آن بود که در آن تاریخ، آیین‌نامه اساسی اداره انطباعات که زیرمجموعه تشکیلات وزارت معارف و ناظر بر مجوز چاپ و انتشار کتاب‌ها و مجلات و روزنامه‌ها و نشریات کشوری بود، در هیئت وزیران به تصویب رسید. بند دوم این آیین‌نامه به وظایف کتابخانه معارف بانام دایره کتابخانه ملی بدین شرح پرداخته است: «الف. تنظیم و مواظبت کتب موجود در کتابخانه و تدوین و طبع فهرست‌های لازم برای کتب؛ ب. جمع‌آوری کتب منطبعه و جراید و مجلات داخله و خارجه که به کتابخانه می‌رسد؛ ج. انتخاب و تعیین کتب خطی و چاپی که همه‌ساله برای تکمیل کتابخانه خریداری شود.» چنانکه دیده می‌شود، در آن تاریخ برای نخستین بار کتابخانه‌ای که سال‌ها پس‌از آن رسماً بانام کتابخانه ملی ایران شناخته شد، از ادارات اداره مرکزی انطباعات بوده که آن‌هم از تشکیلات وزارت معارف بوده است (نوری، ۱۳۸۷، ص ۱۹).

کتابخانه ملی تا گشایش رسمی آن در سال ۱۳۱۶ ش به همین‌گونه اداره می‌شد و از آن تاریخ، مستقیماً زیر نظر وزارت فرهنگ (وزارت معارف سابق) و در قالب سازمانی به‌عنوان یکی از ادارات کل این وزارت‌خانه کار می‌کرد (صمیعی، ۱۳۸۷، ص ۳۴).

ساختمان کتابخانه ملی

طرح ساختمان کتابخانه ملی ایران پیش از سال ۱۳۱۳ ش در جریان و دستورکار دولت وقت بود. براین اساس در ۲۸ مهر ۱۳۰۵ ش/۱۳۴۴ ق وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه نوشته‌ای با مضمون تقسیمات مبلغ اعتبار تأسیس موزه و کتابخانه ملی به وزیر معارف وقت ارسال کرد که در صورت موافقت و تأیید او به وزارت مالیه ارسال شود تا طرح ساختمان کتابخانه ملی اجرا شود. طبق این نوشته، مبلغ اعتبار بابت خرید کتاب ۸۰۰ قران سالیانه، خرید اثاثیه موزه و کتابخانه و خرج سفر ۴۷۰۴ قران سالیانه، خرید عتیقات ۶۰۰۰ قران سالیانه، مستخدم (دو نفر) ۴۸۰ قران سالیانه و... بود (ساکما، ۲۷۲۴۲-۲۹۷).





تصویر ۷

صورت ریز اعتبار تاسیس موزه و کتابخانه ملی
ماخذ: ساکها، ۲۷۲۴-۲۹۷:

با اینکه تاریخ رسمی افتتاح و بهره‌برداری از کتابخانه ملی ایران سال ۱۳۱۶ ش ثبت شده‌است، ولی برخی از کارهای ساختمانی کتابخانه دست‌کم تا سال ۱۳۱۸ ش به پایان نرسید و برای استفاده همگان آماده نشد. علت این ادعا خبری است که در روزنامه اطلاعات



به تاریخ ۱۳۱۸/۳/۱۸ ش ذیل خبر افتتاح کتابخانه ملی ایران درج شده است: «عمارت جدید کتابخانه ملی که در شمال عمارات موزه ایران باستان در خیابان رفائیل ساختمان شده است، از هر حیث آماده شد و از روز دوم تیرماه افتتاح و تالار مطالعه کتابخانه هم‌روزه به استثنای ایام تعطیل از ساعت هفت صبح تا یک ساعت بعد از ظهر برای استفاده مراجعه کنندگان دایر خواهد بود» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۸، شماره ۳۸۵۸).

از آن‌جا که نقشه اولیه آندره گدار برای ساختمان کتابخانه، بسیار بزرگ‌تر بوده است، به‌طور دقیق نمی‌توان مشخص کرد که آیا متصدیان اولیه، از ابتدا در صدد ایجاد کتابخانه ملی با وظایفی چون واسپاری انتشارات کشوری بوده‌اند یا خیر. ذکر این نکته لازم است که از همان آغاز هم مشخص بود که ساختمان احداث شده برای نگهداری مجموعه‌ای کوچک طراحی شده و زمین کافی برای توسعه آن در نظر گرفته نشده است. به بیان دیگر به تغییراتی که در آینده ممکن بود اتفاق بیفتد، توجهی نشده بود (افشار و نوذری، ۱۳۸۷، ص ۲۶۳).

به‌همین علت از سال ۱۳۱۶ ش، یعنی سال تأسیس کتابخانه ملی و احداث ساختمان جدید آن، کمبود فضا احساس شد. یعنی هنوز مدتی از افتتاح کتابخانه نگذشته بود که به‌علت توجه و استقبال مردم و افزایش روزافزون کتاب‌ها و مطبوعات، مشکل جا و فضا دوباره مطرح شد و نیاز به گسترش فضای کتابخانه کاملاً احساس شد تا آنکه اولیای کتابخانه در صدد برآمدند تا ساختمان کتابخانه را توسعه دهند. مکاتبات متعددی از جانب مهدی بیانی، با وزارت معارف و شخص آندره گدار انجام شد و نیاز به افزایش فضای کتابخانه مطرح شد.

نخستین فضای الحاقی به کتابخانه ملی ایران در نیمه دوم دهه ۱۳۳۰ ش بنایی یوشکل با زیربنای حدود ۵۷۰ مترمربع بود که در قسمت پشتی بنای اصلی کتابخانه مماس با دیوار وزارت امور خارجه ساخته شد و در سال ۱۳۴۰ ش آماده و تحویل شد (امیرخانی، ۱۳۸۱، ص ۹۹).

نحوه شکل‌گیری مجموعه منابع کتابخانه ملی

مجموعه نخستین کتابخانه ملی ایران، مانند اغلب کتابخانه‌های ملی جهان، از ترکیب مجموعه منابع کتابخانه‌های مختلف شکل گرفته است. در واقع، انتقال مجموعه منابع کتابخانه‌های مختلف نظیر دارالفنون، عمومی معارف و ... به کتابخانه ملی، سنگ بنای مجموعه اولیه بوده است. شیوه‌های دیگر تهیه منابع نظیر اهدا و خرید هم قابل ذکرند. اهدای منابع معمولاً از طرف پدیدآورندگان آثار و یا از جانب مؤسسات و سازمان‌ها انجام



می‌شد. خرید مجموعه‌ها هم معمولاً برحسب ضرورت و نیاز کتابخانه ملی انجام می‌شد؛ مثلاً گاهی کتابخانه‌های شخصی که منابع فرهنگی منحصر به فردی داشتند، اعلان فروش می‌کردند و کتابخانه ملی منابع آن‌ها را می‌خرید.

در زمان تصویب قانون مطبوعات، قانونی هم برای تحویل نسخه‌های مجانی به کتابخانه ملی تصویب شد؛ به این ترتیب بخش مهمی از مجموعه اولیه کتابخانه ملی (اعم از چاپی، خطی، نشریات و غیره) از این طریق فراهم شد.

مجموعه اولیه کتابخانه ملی از انتقال مجموعه کتابخانه‌های زیر تشکیل شده است:

۱. کتابخانه دارالفنون؛

۲. بخشی از کتاب‌های کتابخانه سلطنتی؛

۳. کتابخانه دانش سرای عالی؛

۴. کتابخانه عمومی معارف؛

۵. کتابخانه بانک استقراضی روس؛

۶. کتابخانه ملی طهران؛

۷. کتابخانه دولت علیه ایران (خاتمی و امیرخانی، ۱۳۹۶، ص ۳۶).

برخی از فعالیت‌های مهم کتابخانه ملی تا سال ۱۳۳۰ ش

در ساخت و آغاز به کار ساختمان جدید کتابخانه ملی افراد زیر دخیل بودند: آندره گدار (معمار و بنا)؛ علی اصغر حکمت (وزیر فرهنگ وقت)، و به‌ویژه مهدی بیانی. بیانی اولین رئیس کتابخانه ملی بود که با تلاش‌های خود در انجام مراحل ابتدایی تأسیس و سازمان‌دهی این مرکز بزرگ علمی سهم اصلی را ایفا کرد و از آن‌پس نیز طی سال‌ها ریاست خود، در گردآوری کتاب و تعیین مکان مناسب برای نگهداری کتاب‌ها و توسعه کتابخانه بسیار کوشید. در زیر به فعالیت‌های انجام‌شده از زمان آغاز به کار کتابخانه ملی تا ۱۳۳۰ ش پرداخته می‌شود: کتابخانه ملی از همان ابتدای تأسیس و حتی پیش از آن یعنی زمانی که کتابخانه ملی به نام کتابخانه معارف و کتابخانه دارالفنون فعالیت داشت، مشغول گردآوری یا به عبارتی مجموعه‌سازی کتب خطی و چاپی، جراید و نشریات ایرانی و غیرایرانی بود (شفا، ۱۳۵۲، ص ۳۱؛ افشار و نوذری، ۱۳۸۷، ص ۲۶۴).

بعلاز مجموعه‌سازی منابع، ضرورت داشت به بهترین شکل از این منابع محافظت شود تا سالیان دراز در خدمت جامعه استفاده‌کننده باشد. به همین علت، چند مخزن برای نگهداری کتب چاپی ایجاد شد. یکی، مخصوص کتاب‌ها و مجلات و رساله‌ها به زبان فارسی و عربی و دیگری، برای زبان‌های خارجی همچون فرانسه و انگلیسی و روسی



و آلمانی و دیگر زبان‌ها. برای نگهداری کتب خطی و عکسی کتابخانه نیز از محفظه‌های مخصوص استفاده می‌شد (مسعودی، ۱۳۷۱، ص ۱۱۲). در سند شماره ۲۲۱۲۶-۲۹۷ نمونه‌ای از قبض‌های رسید کتاب برای ضبط و نگهداری در کتابخانه ملی ایران، آمده است. بعد از مجموعه‌سازی و حفظ و نگهداری فیزیکی منابع لازم بود تا این مجموعه به صورتی منظم و مرتب شود که با سرعت و دقت کافی بتوان به هر یک از منابع موجود در آن دسترسی یافت. بیانی برای سهولت مراجعه‌کنندگان در یافتن کتاب، برنامه‌ای دقیق و منظم تنظیم کرد؛ به این شکل که برای هر یک از کتاب‌ها سه فیش شامل نام کتاب، نام مؤلف، و موضوع تهیه کرد (حبیبی آزاد و امیرخانی، ۱۳۹۶، ص ۱۶). این ابتکار بیانی تا اقدام بعدی سامان‌دهی از سوی ایرج افشار در سال ۱۳۴۱، کماکان کاربرد داشت. افشار با کمک کمیسیونی متشکل از مجتبی مینوی، عباس زریاب خوئی، محمدتقی دانش‌پژوه و عبدالله انوار، نمونه فیشی شامل دقائق^۱ کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی تنظیم کرد که برای نوشتن فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه استفاده شد (پورا احمد جکتاجی، ۱۳۵۷، ص ۴۹). از جمله اهداف اولیه و اصلی کتابخانه ملی آموزش نیروهای کارشناس در رشته کتابداری بود. این نیاز با برگزاری کلاس‌های ویژه آموزش تخصصی کتابداری برآورده می‌شد. البته نخستین نمونه‌های کتابداری را در کتابخانه مادر کتابخانه ملی ایران (دارالفنون) باید جست‌وجو کرد. اولین آموزش کتابداری نوین در ایران با تلاش پیش‌گامان کتابداری در ایران از جمله مهدی بیانی و محسن صبا با برگزاری دوره‌هایی کوتاه در دانش‌سرای عالی تهران انجام شد. این رویه با توجه به نیازهای کتابداری آن زمان، در دیگر مراکز آموزش عالی دنبال شد (اباذری، ۱۳۸۱، ج ۱، صص ۵۵-۶۴). آیین‌نامه‌ها و برنامه کاری امتحانات کلاس آموزش کتابداری پیشنهادی از سوی کتابخانه ملی ایران در سند شماره ۲۹۷۴۳۲۱ و ۲۹۷۱۰۸۸۰ آمده است.

نتیجه

تأسیس کتابخانه ملی ایران به سال ۱۳۱۶ش و در ساختمانی در جنب موزه ایران باستان بازمی‌گردد. هسته اولیه کتابخانه ملی، خیلی قبل‌تر از تاریخ افتتاح آن یعنی در دهه ۱۲۴۰ش شکل گرفته بود. حدود ۱۲ سال از بازگشایی مدرسه دارالفنون گذشته بود که در سال ۱۲۴۳ش کتابخانه‌ای کوچک در این مدرسه تأسیس شد. تأسیس کتابخانه مدرسه دارالفنون و بعدها تشکیل انجمن معارف و تأسیس کتابخانه عمومی معارف، زمینه تأسیس کتابخانه ملی را فراهم کرد.

بخش اعظمی از منابع اولیه کتابخانه ملی از طریق مجموعه کتابخانه معارف و ۱. جمع دقیقه؛ نکته؛ نکته؛ باریک.



کتابخانه مدرسه دارالفنون، کتاب‌های اهدایی مستشرقین به مناسبت کنگره فردوسی، بخشی از کتاب‌های کتابخانه سلطنتی، و اهدای مجموعه‌های شخصی و کمک‌های خارجی فراهم‌آوری شد.

کتابخانه ملی در سال‌های نخستین حیات خود با مشکلات زیادی مواجه بود؛ ولی باتوجه به نیاز کشور به وجود چنین نهادی این مجموعه به راه خود ادامه داد و امروز به‌عنوان نهادی تأثیرگذار در فرهنگ ایرانی شناخته می‌شود.

منابع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): ۳۵۹۹۶-۲۴۰؛ ۱۰۱۲۷-۲۹۷؛ ۱۰۸۸۰-۲۹۷؛ ۱۲۵۳۹-۲۹۷؛ ۱۹۵۱۱-۲۹۷؛ ۳۲۱۴۱-۲۹۷؛ ۲۲۱۲۶-۲۹۷؛ ۲۷۲۴۲-۲۹۷؛ ۳۶۶۳۰-۲۹۷؛ ۳۶۶۳۱-۲۹۷؛ ۴۳۲۱-۲۹۷.

کتاب

آدمیت، فریدون. (۱۳۵۵). *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*. (ج ۱). تهران: پیام.

امین، سیدحسن. (۱۳۸۱). *کارنامه‌ی غنی: نقدی بر تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی عصر پهلوی*. تهران: دایرةالمعارف ایران‌شناسی.

پوراحمد جکتاجی، محمدتقی. (۱۳۵۷). *تاریخچه کتابخانه ملی*. تهران: کتابخانه ملی ایران.

حبیبی آزاد، ناهید؛ امیرخانی، غلامرضا. (۱۳۹۶). *رؤسا و نام‌آوران کتابخانه ملی ایران*. (ویرایش ۲). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

خاتمی، سید عمادالدین؛ امیرخانی، غلامرضا. (۱۳۹۶). *کتابخانه ملی ایران*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

خسروی، فریبرز. (۱۳۸۵). *دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*. (ج ۲). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

درانی، کمال. (۱۳۸۰). *تاریخ آموزش و پرورش ایران: قبل و بعد از اسلام*. تهران: سمت.

شفا، شجاع‌الدین. (۱۳۵۲). *اطلاعاتی درباره کتابخانه بزرگ پهلوی* (کتابخانه ملی آینده ایران) و برنامه‌های ساختمانی، فنی، علمی و اداری آن. تهران: کتابخانه پهلوی.

قاسمی پویا، اقبال. (۱۳۷۷). *مدارس جدید در دوره قاجاریه: بانیان و پیشروان*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

محمدنیا سماکوش، مرتضی. (۱۳۹۰). *سرگذشت کتابخانه‌ها در ایران*. تهران: کتابدار.

مرسل‌وند، حسن. (۱۳۶۹). *زندگی‌نامه رجال و مشاهیر*. تهران: الهام.

مزیانی، علی. (۱۳۸۵). *کتابخانه و کتابداری*. تهران: سمت.

ملک‌زاده، مهدی. (۱۳۷۱). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*. تهران: علمی.

ناطق، هما. (۱۳۷۵). *کارنامه فرهنگی در ایران*. تهران: خاوران.

مقاله

کتابخانه ملی ایران. (اسفند ۱۳۶۳). *پیام یونسکو*، شماره ۱۷۸، صص ۱-۲.

اباذری، زهرا. (۱۳۸۱). «آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی». چاپ شده در: *دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*. (ج ۱). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

ابراهیم‌زاده، فرزانه. (۱۳۸۸). «گنجینه در زیگورات: دیروز و امروز کتابخانه ملی ایران». *همشهری ماه: ویژه‌نامه ایران‌شناسی*، صص ۱۱۲-۱۲۱.

اخگر، آذر. (۱۳۷۴). «آشنایی با کتابخانه ملی ایران». *رهیافت*، شماره ۱۱، صص ۱۰۴-۱۰۹.

افشار زنجانی، ابراهیم؛ نودری، سوادبه. (۱۳۸۷). «کتابخانه ملی ایران: ساختمان نو و آینده نو». *مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، شماره ۷۵، صص ۲۶۱-۲۷۲.

امیرخانی، غلام‌رضا. (۱۳۸۱). «آندره گدار: معمار نخستین ساختمان کتابخانه ملی ایران». *فصل‌نامه کتاب*، شماره ۵۱، صص ۹۶-۱۰۳.

تخشید، محمدرضا. (۱۳۷۷). «اصلاحات و سیاست‌های نوگرایی رضاشاه و تأثیر آن بر قدرت و نفوذ روحانیون در ایران». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۴۰، صص ۹۱-۱۱۸.

صمیعی، میترا. (۱۳۸۷). «کتابخانه ملی ایران: از آغاز تا امروز». *کتاب ماه کلیات*، شماره ۱۳۳، صص ۳۲-۴۵. فانی، کامران. (۱۳۸۳). «کتابخانه ملی: گذشته». چاپ شده در کتاب: *کتابخانه ملی ایران*. تهران: تماشاگران. **عصر توسعه دانش.**

قاسمی، بهزاد. (۱۳۹۱). «گذری بر زمینه‌های نوسازی و اندیشه اصلاح‌گرا در ایران عصر قاجار با تأکید بر مسئله اعزام دانشجو به خارج از ایران». *تاریخ پژوهی*، شماره ۵۱، صص ۴۵-۶۶.

محمدزاده. هاجر؛ بزرگی، اشرف‌السادات. (۱۳۹۱). «استفاده‌کنندگان از کتابخانه ملی ایران و شیوه‌های بهره‌گیری آنان از منابع و خدمات کتابخانه ملی: همخوان یا ناهمخوان با اساسنامه». *فصل‌نامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، شماره ۹۲، صص ۲۳-۳۹.

مرادی، نوراله. (۱۳۸۵). «کتابخانه ملی ایران». چاپ شده در: *دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*. (ج ۲).

مرادی، نوراله. (۱۳۸۷). «کتابخانه ملی چیست و چه می‌کند». *کتاب ماه کلیات*، شماره ۱۳۳، صص ۲۶-۳۱. مسعودی، فرامرز. (۱۳۷۱). «مروری بر فعالیت‌های کتابخانه ملی». *فصل‌نامه تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی* (پیام کتابخانه سابق)، شماره ۷، صص ۱۱۱-۱۱۷.

نوری، مسعود. (۱۳۸۷). «نگاهی به اهداف و فعالیت‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی



ایران». مجله برنامه، شماره ۲۹۹، صص ۱۹-۲۳.

پایان نامه

شاگری مطلق، محبوبه. (۱۳۹۰). «مطالعه تطبیقی کتابخانه ملی ایران و کتابخانه‌های ملی کانادا و استرالیا». مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه شهید بهشتی.

روزنامه

روزنامه اطلاعات، شماره ۳۸۵۸، (جمعه ۱۸ خرداد ۱۳۱۸ ش). «آگهی افتتاح کتابخانه ملی».

English Translation of References

Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran): 240-35996; 297-10127; 297-10880; 297-12539; 297-19511; 297-32141; 297-22126; 297-27242; 297-36630; 297-36631; 297-4321. [Persian]

Book

- Adamiat, Fereidoun. (1355/1976). "*Ide'oloji-ye nehzat-e mašrutiat-e Irān*" (The ideology of the constitutional movement of Iran). (vol. 1). Tehran: Payam. [Persian]
- Amin, Seyyed Hasan. (1381/2002). "*Kārnāme-ye qani: Naqdi bar tahavvolāt-e siāsivaejtemā'ee-ye asr-e Pahlavi*" (A rich record the cultural, political and societal transformation of Iran in Pahlavi era). Tehran: Dāyerat-ol-Mā'āref-e Irān-šenāsi (Iranshenasi Publishing). [Persian]
- Dorrani, Kamal. (1380/2001). "*Tārix-e āmuzešvaparvareš-e Irān: Qabl vaba'd az Eslām*" (History of education in prior to the advent of Islam and Thereafter). Tehran: SAMT. [Persian]
- Ghasemi Pouya, Eghbal. (1377/1998). "*Madāres-e jadid dar dowre-ye Qājārieh: Bāniān va pišrovān*" (New schools in Qajar era: Founders and pioneers). Tehran: Markaz-e Našr-e Danešgāhi (Iran University Press). [Persian]
- Habibi Azad, Nahid, & Amirkhani, Gholamreza. (1396/2017). "*Ro'asā va nām-*



- āvarān-e ketābxāne-ye melli-ye Irān*” (Directions and renowned librarians of the national library of Iran) (2nd ed.). Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran).[Persian]
- Khatami, SeyyedEmad Al-Din, & Amirkhani, Gholamreza. (1396/2017). *“Ketābxāne-ye melli-ye Irān*” (The national library of Iran). Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran).[Persian]
- Khosravi, Fariborz. (1385/2006). *“Dayerat-ol-ma’āref-e ketābdāri va ettelā’-resāni*” (Encyclopedia of library and information science) (vol. 2). Tehran: Ketābxāne-ye Melli-ye Jomhuri-e Eslāmi-ye Irān (Sākmā) (National Library of the Islamic Republic of Iran).[Persian]
- Malekzadeh, Mahdi. (1371/1992). *“Tārix-e enqelāb-e mašrutiat-e Irān*” (The history of the constitutional revolution of Iran). Tehran: ‘Elmi.[Persian]
- Mazinani, Ali. (1385/2006). *“Ketābxāne va ketābdāri*” (Library and librarianship). Tehran: SAMT.[Persian]
- Mohammadnia Samakoush, Morteza. (1390/2011). *“Sargozašt-e ketābxāne-hādar Irān*” (The history of libraries in Iran). Tehran: Ketābdār.[Persian]
- Morsalvand, Hasan. (1369/1990). *“Zendegi-nāme-ye rejāl va mašāhir*” (The biographies of the renowned and celebrated figures). Tehran: Elhām.[Persian]
- Nategh, Homa. (1375/1996). *“Kārnāme-ye farhangī dar Irān*” (Report card on western culture in Iran). Tehran: Xāvarān.[Persian]
- Pour Ahmad Jaktaji, Mohammad Taghi. (1357/1978). *“Tārix-če-ye ketābxāne-ye melli*” (The history of the national library). Tehran: Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (National Library of Iran).[Persian]
- Shafa, Shoja’ Al-Din. (1352/1973). *“Ettelā’ātī dar bāre-ye ketābxāne-ye bozorg-e Pahlavi (Ketābxāne-ye melli-ye āyande-ye Irān) vabarnāme-hā-ye sāxtemāni, fanni, elmi va edāri-ye ān*” (Information on the Pahlavi Grand Library (Future National Library of Iran) and its construction, technical, scientific and administrative programs). Tehran: Ketābxāne-ye Pahlavi (Pahlavi Library).[Persian]

Articles



- Abazari, Zahra. (1381/2002). "Āmuzeš-e ketābdāri va ettelā'-resāni" (Librarianship and information science training). In "*Dayerat-ol-ma'āref-e ketābdārivaettelā'-resāni*" (Encyclopedia of library and information science). (vol. 1). Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran).[Persian]
- AfsharZanjani, Ebrahim, &Nozari, Soudabeh. (1387/2008). "Ketābxāne-ye melli-ye Irān: Sāxtemān-e now vaāyande-ye now"(The national library of Iran: New construction and new future". *Motāle'āt-e Melli-ye Ketābdāri va Sāzmāndehi-ye Ettelā'āt*(National Studies on Librarianship and Information Organization) (NASTINFO), 75, pp. 261-272.[Persian]
- Akhgar, Azar. (1374/1995). "Āšnāyi bā ketābxāne-ye melli-ye Irān" (Introduction to the national library of Iran). Rahyaft, 11, pp. 104-109.[Persian]
- Amirkhani, Gholamreza. (1381/2002). "ĀndreGodār: Me'mār-e noxostin sāxtemān-e ketāxān-ye melli-ye Irān" (Andre Godard: Architect and designer of the earliest library building of the national library of Iran). *Fasl-nāme-ye Ketāb*, 51, pp. 96-103.[Persian]
- Ebrahimzadeh, Farzaneh. (1388/2009). "Ganjine dar zigurat: Diruz va emruz-e ketābxāne-ye melli-ye Irān" (Treasure in ziggurat: The national library of Iran, yesterday and today). *Hamšahri-ye Māh: Vīze-nāme-ye Irān-šenāsi*, pp. 112-121.[Persian]
- Fani, Kamran. (1383/2004). "Ketābxāne-ye melli: Gozašteḥ"(National library: The past). In *Ketābxāne-ye melli-ye Irān*(National Library of Iran). Tehran:Tamāšāgarān, 'asr-e Towse'e-ye Dāneš.[Persian]
- Ghasemi, Behzad. (1391/2012). "Gozari bar zamine-hā-ye nowsāzi va andiše-ye eslāh-garāne dar Irān-e 'asr-e Qājār bā ta'kid bar ma'sale-ye e'zām-e dānešju be xārej az Irān" (A review of the contexts of modernization and reformist thought in Iran during the Qajar era, with an emphasis on the issue of sending students abroad). *Tārix-pažuhi*, 51, 45-66.[Persian]
- "Ketāxāne-ye melli-ye Irān" (National library of Iran). (1363, Esfand /1984, March). *Payām-e Yunesko* (Iranian National Commission for UNESCO), 178, pp. 1-2.



[Persian]

Mas'oudi, Faramarz. (1371/1992). "Moruri bar fa'aliyat-hā-ye ketābxāne-ye melli" (A review of the activities of the national library). *Fasl-nāme-ye Tahqiqāt-e Ettelā'-resāni va Ketābxāne-hā-ye Omumi* (Payām-e Ketābxāne-ye Sabeq) (Research on Information Science and Public Libraries), 7, pp. 111-117. [Persian]

Mohammadzadeh. Hajar , & Bozorgi, Ashraf Al-Sadat. (1391/2012). "Estefāde-konandegān az ketābxāne-ye melli-ye Irān va šive-hā-ye bahre-giri-ye ānān az manābe' va xadamāt-e ketābxāne-ye melli: Hamxān yā nāhamxān bā asās-nāmeḥ" (Users of the national library of Iran and their methods for using the resources and services of the national library: Is it in accord with the library's statute or not?). *Motāle'āt-e Melli-ye Ketābdāri va Sāzmāndehi-ye Ettelā'āt* (National Studies on Librarianship and Information Organization) (NASTINFO), 92, pp. 23-39. [Persian]

Moradi, Nourallah. (1385/2006). "Ketābxāne-ye melli-ye Irān" (National library of Iran). In *"Dayerat-ol-ma'āref-e ketābdāri va ettelā'-resāni"* (Encyclopedia of library and information science) (vol. 2). Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran). [Persian]

Moradi, Nourallah. (1387/2008). "Ketābxāne-ye melli čist va če mikonad" (What is national library and what does it do). *Ketāb-e MāhKoliāt*, 133, pp. 26-31. [Persian]

Nouri, Mas'oud. (1387/2008). "Negāhi be ahdāf va fa'aliyat-hā-ye sāzmān-e asnād va ketābxāne-ye melli-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān" (A glimpse at the goals and activities of the national library and archives of the Islamic Republic of Iran). *Majalle-ye Barnāmeḥ*, 299, pp. 19-23. [Persian]

Takhshid, Mohammad Reza. (1377/1998). "Eslāhāt va siāsat-hā-ye nowgarāyi-e Rezāsāh va tašir-e ān bar nofuz-e rowhaniyun dar Irān" (Reza Shah's modernization reforms and policies and their impact on clerical power and influence in Iran). *Majalle-ye Dāneškade-ye Hoquqva 'Olum-e Siāsi* (Journal of the Faculty of Law and Political Science), 40, pp. 91-118. [Persian]

Sami'i, Mitra. (1387/2008). "Ketābxāne-ye melli-ye Irān: Az āqāz tā emruz" (National



library of Iran: From the beginning to the present). *Ketāb-e Māh Kollīāt*, 133, pp. 32-45.[Persian]

Dissertations

ShakeriMotlagh, Mahboubeh. (1390/2011). "*Motāle'e-ye tatbiqi-ye ketābxān-ye melli-ye Irān va ketābxāne-hā-ye melli-ye Kānādā va Ostorālīā*" (A comparative study of the national library of Iran and the national libraries of Canada and Australia) [Master's thesis]. Dāneškade-ye 'Olum-e Ketābdāri va Ettlā'-resāni (Faculty of Librarianship and Information Science), Dānešgāh-e ŠahidBeheshti (ShahidBeheshti University).[Persian]

Newspapers

Ruznāme-ye Ettlā'āt (Ettela'at Newspaper), No. 3858, Jom'e, Xordād 18, 1318/ June 9, 1939, "Āgahi-ye eftarāh-e ketābxāne-ye melli" (National library opening announcement).

